

نقش نهادهای انقلابی در تحول نظام اداری

بسمه تعالی

— "توضیح"—

در آستانه پنجمین سالگرد آغاز فعالیت جهادسازندگی در مورد ضرورت و انگیزه تشکیل جهاد، نظام اداری، مسأله استضعاف فرهنگی - اقتصادی و اساسنامه جهاد و ... پای صحبت برادران شورای مرکزی جهادسازندگی نشستیم. بدلیل محدود بودن صفحات نشریه ضمن حفظ روح کلی پاسخها مبادرت به تلخیص آن نمودیم که در ذیل از نظر خوانندگان میگذرد:

س: ویژگیها و خصوصیات نظام اداری گذشترا توضیح دهید:

دز نظام اداری گذشته بیش از آنکه ترس از خدا و افراد در آن حاکم باشد، ترس از مافوق حاکم بود و در تمام قوانین و مقرراتی که بر نظام اداری نوشته شده است اصل عدم اعتماد به افراد رعایت گردیده است و نظام اداری

هنوز هم از این قضیه رنج میبرد. این قضیه حجم عظیمی از کار و کاغذبازی را بر ادارات تحمیل کرده و مثلاً "برای ۲۵ ریال خرج که انجام میگیرد ۷۵ ریال کاغذ مصرف میشود تا اینکه سند بخورد و رسمی شود. در گذشته در همین رابطه دزدیهای فراوان هم میشد و جلوی هر حرکتی ولو کوچک را که برای رفاه مردم میخواست انجام شود می گرفتند.

در نظام گذشته، کار اداری یک مطلب بود و زندگی مطلبی دیگر. هدف افراد انجام کار صرفاً "تأمین زندگی بود و لذا سعی میکرد که هر چه میتواند این زحمت را کاهش دهد این طرز تفکر بود که وقتی ساعت تعطیلی

ادارات فرا میرسید مثل این بود که درب زندانها را باز کردماند.

نظام حکومتی سابق اساساً بر مبنای روحی مبتنی نبودند بلکه در این نظام، ابزار اصلی ترین تاثیر را داشته است بدین لحاظ اگر ابزار کار وجود نداشت، کار انجام نمیشد! و چون ترس از رئیس و مافوق هم وجود داشت انجام وظیفهای برای گیر نیافتادن بر همه جا حاکم بود.

سیستم اداری سابق با هدف خدمت به محرومین بوجود نیامده بود بلکه این سیستم از جهتی برای جذب اقشار وسیعی از مردم با درآمد متوسط در واقع ایجاد یک طبقه بزرگ استحاله یافته، بمنوان حامی و حافظ نظام پایدربری شده بود.

کار سیستم مجموعاً "در جهت ویران کردن مملکت و حاکمیت اختناق و تلاشی تدریجی مبانی اصیل فرهنگ اسلامی بود.

س: مفاسد سیستم اداری بازمانده از پیش را بررسی کرده و آثار آنرا بر جامعه تحلیل نمائید:

جواب: قوانین موجود در ادارت دست یکسری از بجههای حزب اللہی را که بخاطر خدمت و ایجاد تحول در ادارت کار می کنند می بندد و باید که این قوانین و مقررات دست و پاگیر از طریق تصویب لایحه های توسط مجلس در هم ریخته شود.

باید که آن روح معنویت و اعتماد عمومی در ادارات بوجود آید، چون وقتی که اعتماد عمومی باشد "قانون محاسبات" با این وضع در ادارات نمی آید، وقتی اصالت مدرک نبود

قانون "استخدام کشوری" با این وضعیت فعلی نمی آید و وقتی اصل بر اعتماد بود، تمرکز با این وضع حاد بوجود نمی آید و ... و شور تلاش و ایثار جای همه اینها را میگیرد. به عنوان مثال جنگ ما اگر میخواست یک جنگ اداری باشد (ومیدانید که ارتش یک سازمان اداری داشت و تا زمانیکه سازمان اداری داشت نمی توانست حرکت کند) نمی توانست حرکت کند، اما وقتی سازماندهیش را متاثر از معیارهای انقلاب اسلامی کرد، ارتش ما ارتشی میشود که امام در مورد آنها میفرماید که: "اینها الهی هستند".

آنچه در ادارات مافوق موجود است، اصل حاکمیت تشکیلات بر انسان است بجای اینکه انسان بر تشکیلات حاکم باشد. این امر بساعت می شود که قدرت مانور و حرکت فردا زوی سلب شود و این همان روح ابزاری است. پئیس اول تشکیلات بوجود می آید و مدتی طول می کشد تا

*** در تمام قوانین و مقررات اداری سابق، اصل عدم اعتماد به افراد رعایت گردیده است و نظام اداری مهنوز هم از این قضیه رنج می برد.**

آنها سازمان دهیم و بعد دنبال افراد میگردند تا اینها را اداره کند. در صورتیکه نهادهای انقلابی با اصل قرار دادن حرکت انسان با آن معیارهای الهی، خود بخود تشکیلات جدیدی را به دنیا عرضه می کنند. این تشکیلاتی که در ادارت ما هست همان تشکیلات مدیریت غربی است.

باید که این قوانین بهم ریخته شود و فکری اساسی برای آنها بشود، چون ادارات مرکزی هستند که هر ساله حجم عظیمی از بودجه مملکت را جذب می کنند و در مقابلش در مواردی آنچنانکه لازم است کار شایسته انجام نمیشود. تقصیرش هم عمدتاً "متوجه افراد نیست.

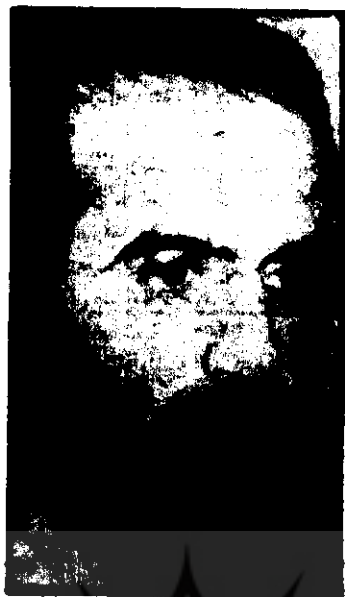
بدینصورت ادارات به دانشگاه و محل تربیت تبدیل میشوند، البته نه به سرعت نهادها، چون نهادها در واقع عماره حرکت انقلاب هستند.

وقتی بایکدیما زاین برادران اداری برخورد می‌کنیم متوجه می‌شویم چه خیانتی نظام ستم شاهی به آنان روا داشته، واقعا "انسان افسوس می‌خورد. یکسری انسان و جوان را آوردن آنها را مسخ کرده یعنی هرگونه روح ابتکار و خلاقیت را از آنان گرفته و بجای همه چیز به آنان "بله قربان" یاد داده که هر چیزی گفتند بگویند چشم. انسانی که بفهمد آره و نه دارد و در مقابل هر سوالی ممکن است پاسخ "چرا" را جایگزین کند. درارتش شاه "چرا"؟ نبود و در نظام اداری ما هم عمدتا "منظورشان این نبود که "چرایی" مطرح باشد، یعنی آنها دقیقا" میخواستند فقط مهره داشته باشند و برایشان کار کنند و خودشان نیز خطرا از بالا بدهند. آدمهای خوبی که در این سیستم وجود داشتند کم کم عوض میشدند و تغییر مشی

میدادند و اسیر نظام بکنواختی می‌شدند که آنها برایشان بوجود آورده بودند. این یکی از فاجعه‌های بزرگ است که البته اگر این سدهایی که در بیکره نظام اداری ما وجود دارد بشکند و قوانین طاغوتی از هم بپاشد، آن موقع

✿ به وجود آمدن نهادهای انقلاب، بدلیل عدم توانایی نهادهای بجامانده از گذشته در حل مشکلات اجتماعی بود.

میتوان گفت که زمینه‌های جدیدی برای حرکت‌های بعدی ایجاد میشود. بعضی‌ها فکر می‌کنند که اگر این قوانین از بین برود بدولت خیلی ضرر می‌خورد، یعنی اگر فرض کنیم "قانون محاسبات" کنار گذاشته شود میلیاردها تومان در سال ممکن است دزدی شود. ایسن همان تفکر عدم اعتماد به هم است که در



✿ تقویت نهادهای انقلاب، تقویت سیستم اسلامی درحکومت است و تضعیف نهادهای تضعیف اصلاح ادارات.

گذشته رواج داشت. حتی اگر با مبارزهای مادی بسنجم، ضررش در حال حاضر برای جمهوری اسلامی کمتر از این است که ما اصلا بر اعتماد بگذرانیم تا اینکه اصل را بر عدم اعتماد بگذاریم.

س: نظام نوین اداری جمهوری اسلامی چگونه میتواند بوجود آید؟

ج: در نظام اداری ما باید اصل بر اعتماد گذاشته شود، عدم تمرکز رعایت شود یعنی همه چیزها در یکسری افراد متمرکز نشوند که همه خیر و برکتها در اینست، به افراد باید شخصیت داده شود، بجای اصالت دادن به مدرک (چنانچه در خیلی از جاهای مملکت چشم می‌خورد) بیایند و به تقوا که باید روح حاکم بر همه چیز باشد. اصالت بدهند و کارایی و تخصصی فرد را مورد اهمیت قرار بدهند

و روح ایمان را سعی کنند در نظام اداری مسلط بدمند. باید افراد متوجه بشوند که زندگیشان برای از این قضاها نیست و ترس از خدا حاکم بشود و اجازه بدهند که "بله و خیر" در کنار مدیران ما بیاورند. ضمن اینکه افراد نامناسب باید از این نظام بیرون بروند و دیگر جایی هم برای آنها در اینجا نیست و ستم آنها را بخودی خود دفع می‌کند. علیرغم وجود کارنده پرسنل زیاد، افراد جدید در ادارات باید گسه وارد شوند. بحث استخدام رسمی را باید کتا ریگذاریم چرا که فلسفه "استخدام رسمی" این بوده که فرد امور زندگیش بگذرد و یک آدم صبور و سربراه و بدون شور انقلابی باشد این چیز خیلی بدی است که الان هم دوباره می‌خواهد حاکم بشود. ولی در هر حال مانناز داریم که همه ادارات و سازمانهای دولتی افرادی جدید، بهمهایی که در متن انقلاب بودند وارد بشوند و مدیریتها حتما" باید بدست چنین افرادی باشد، کسانیک نمیتوانند خود را با این شرایط وفق بدهند میروند جای دیگر، حتی اگر حقوقشان را هم بدهند مستلای نیست چرا که حضورشان در آنجا بهتر ضربه میزند. بطور کلی خون جدید از اینجا هاد میدهد میشود. در وزارت ارشاد ما مقهور تشکیلات

✿ نهادهای انقلابی «بله قربان» گوی بالادست نخواهند بود، «بله قربان» گوی نظام را سلام هستند و نه فرد.

نشدم و به تغییرات متناسب دست زدیم، خیلی پستهای زاید را حذف کردیم و و خیلی هم موفق بودیم، البته در آن قسمتهایی که مرحله عمل درآمد.

مطلب دیگر اینکه اکنون بودجه‌های کلانی به ادارت می‌رود و خرج میشود، از نظر بقیه در صفحه ۵۹

نقش نهادهای ...

شبهه و روال خرج در "قانون محاسبات" ضوابط آن آمده است ولی در برابر اینکه این سول چه بازدهی را در مملکت ما بجای می گذارد هیچ تشکیلاتی وجود ندارد که آنرا بررسی کند. سازمان برنامه یکی از وظایف اینست اصولاً نظارت باید از یک موضع بالاتر صورت گیرد ولی چون سازمان برنامه نیز خود جزء همین تشکیلات و نظام اداری است، نمی تواند یک سیستم نظارتی باشد.

سازمان برنامه و بودجه سازمان استخدام کشوری که در تشکیلات مشابه برای دولت میباشد بدلاهی که بدانها اشاره شد علیرغم اینکه مسئولینشان خیلی آدمهای صادق و خدمتگزاری هستند نمیتوان انتظار داشت از این تشکیلات، انقلاب برای ادارات طراحی بشود بلکه انقلاب را باید در سیستم و نظام اداری وارد کرد.

س: نقش نهادهای انقلابی را در ارائه الگوی جدید نظام اداری بیان نمائید:

ج: جهاد امسال کمتر از ۲/۵٪ بودجه کل کشور را دارد و سال گذشته شاید حدود ۱/۵٪ شما نگاه کنید هر جا بررید عملکرد جهاد را می بینید با اینکه کمتر از ۲٪ کل بودجه را داشته، چرا اینطور بوده؟ و بقیه با اینکه ۹۸٪ از بودجه را داشته (البته جنگ که ضرورت انقلاب است و بودجه هنگفتی هم صرف آن میشود) باز بیش از ۵۰٪ بودجه مملکت برای جاهای دیگر است، ولی آثار و بازدهی این بودجه هنگفت را در هیچ کجا به اندازه جهاد نمی بینیم.

اول باید ببینیم جهاد چگونه بوجود آمده؟ ما میدانیم که اصل بوجود آمدن نهادها بدلیل عدم توانایی نهادهای ماندگار گذشته در حل مشکلات اجتماعی بود و بدین ترتیب جهاد و سپاه و دادگاههای انقلاب و ... بوجود آمد.

شاید اگر جهاد نبود اینها شعار بود، ولی این نهادهای انقلابی آن سد تفکر گذشته را که جز از این کانالها و با این ترتیب و نظامها نمی شود کار کرد را شکستند. ما دیدیم که یک نهادی که هیچ نداشت از متن انقلاب با سلاح

ایثار و توکل و اعتقاد به خدا و خدمت به مردم جوشید و چه معجزاتی که انجام داد. سپاه هم به همین طریق، در جنگ اگر سپاه نبود شاید این باور برای ما بوجود نمی آمد که بدون اینکه ما ابزار را اصالت بدهیم بتوانیم تا این مرحله جنگ را پیش ببریم.

عملکرد نهادهای انقلابی این باور را بوجود آورد که میشود کار انقلابی با توجه به حاکم بودن مساله اعتماد و عدم تمرکز انجام

*** آن نظامی که در آن مدرک، اصل قرار بگیرد غیرالهی است.**

داد. نهادها نشان دادند که اگر بن چه و بتوجه نباشد و ایثار وجود داشته باشد، تخصص و سواد بر مدرک حاکمیت داشته باشد، تقوا حتی به تخصص حاکمیت داشته باشد، حاکمیت حزب الله بر هم جا باشد، خون جدید در ریه جا دمیده شده باشد از مردم انرژی بگیرد و از مردم برای مردم باشد، بسیاری از چیزهایی را که میگویند غیرقابل اجراءست و حل نمیشود، ما حل می کنیم، در واقع نهادهای انقلابی بما نشان دادند که میشود "ایمان بر ابزار پیروز شود" در ادارات الان ما نمی توانیم بچه حزب اللهی ها را مدیر

*** تشکیلاتی که در ادارات ماهست، همان تشکیلات مدیریت غربی است.**

کل بگذاریم، بچه حزب اللهی ها اکثر "تر" ادارات سرپرست ادارات کل هستند آنها با تصویب نامه شورای انقلاب، که خود همین تصویب نامه کلی کارساز بوده و بسیاری از حرکت های مثبتی که در ادارات شده به همین

دلیل است.

آن نظامی که در آن مدرک اصل قرار بگیرد غیرالهی است. فرماندهان بزرگ نظامی ما که دانشگاه جنگ ندیده بودند در جبهه دانشگاه جنگ دیدند. مهندسين بزرگ ما، کارهایی را که خارجیها نمی توانستند انجام بدهند انجام دادند جرئت و شهامت داشتند، این مساله نبود که اگر وارد قضیای بشوند فردا می گویند چرا اینکار را کردید؟ ولی در ادارات در همان قدم اول راه بسته است و در همان گام اول قدم انسان می شکند و پشیمان میشود از کارهای انقلابی کردن در ادارات بقدری انسان را زیر سوال می برند و بقدری مشکلات ایجاد میشود که انسان نمی تواند کار کند. قانون سال ۱۳۱۴ اگر در جلوی یک فرد انقلابی قرار بگیرد حاضر نیست با این قوانین کار کند. همه قوانین ۱۳۱۴ و ۱۳۱۲ (از زمان مظفردالدین شاه) همینطور قوانینی وجود دارد که جلوی دست و پای انقلابیون را می گیرد و اینها یکی دو تا و سه تا نیستند، بلکه چندتا قانون جاندار هستند که باید شکسته بشود چند بت بزرگ هست که بافت نظام اداری ما می پرستد، این لات و هیل و عزی نظام اداری را باید شکست. اگر اینها شکسته بشود و حاکمیت حزب الله باشد بقیه مسائل رامیافتد آن کسی که در زیر چرخ "قانون محاسبات" له میشود حزب الله است، مثل قوانین دادگستری گذشته که هیچگاه با آن قوانین ظالم محکوم نمیشد آنقدر راه فرار و تبصره دارد که همیشه محرومین و مستضعفین محکوم بودند. افرادی که در ادارت هستند عموماً افرادی هستند مستضعف با حقوقی زیر ۴۰۰۰ تومان که با سلی صورت خود را سرخ کرده اند و لذا با تمام این مشکلات با انقلاب هستند و به امام عشق دارند. اینها کسانی هستند که واقعا آن زمینهای رفاه و مصرف زدگی را ندارند و میشود اینها را حرکت داد ولی نه با این قوانین. ما باید با دست خودمان این سدهای روانی را که بوسیله این قوانین بوجود آمده بشکنیم تا بتوانیم کار کنیم.

بقیه در صفحه ۷۸

نقش نهادهای انقلابی ...

س: آیا اساساً بین نهادهای دولتی و انقلابی تقابلی وجود دارد یا نه؟ با تفاوت‌های آنها چگونه باید برخورد کرد؟

ج: آنچه مسلم است اگر تضاد و تقابلی هم وجود داشته باشد باید به نفع انقلاب حل شود. نهادهای انقلابی در خدمت انقلاب هستند. بجای اینکه بیاییم بعضی جاها مثل تفکر لیبرالها که برنامه‌های داشتند که ارتش را در مقابل سپاه، وجه‌آدرامقابل ادارات بگذارند و... اصلاً اینها با هم تضادی ندارند که در مقابل هم قرار بگیرند.

آنچه که هم یک فرد شاغل در ادارات و بانهادها با آن دشمن هستند، آن ضوابط دست و پاگیری است که نظام اداری گذشته بر آنها تحمیل کرده است و باید که بجای اینکه بر سر هم داد و فریاد کنند این زنجیرها را پاره کنند.

نهادهای انقلابی هم بطور طبیعی مگر چه کسانی بودند؟ یکمده بجهای بی تخصص و جوان که شهادت‌طلبی و ایثار و تلاش آنها

خوب واضح است. انسانی که راه می‌رود اشتباه هم می‌کند آدم اگر راه نرود اشتباه نمی‌کند، منتهی باید دید مجموعه آن چطور است، مجموعه آن برای انقلاب چقدر تجربه و ارزش آفریده، این نهادها چون در جهت خدا کار کرده‌اند خدا هم راه را به آنان نشان داده و اگر در جهت خداوند باشند همچنان نشان خواهد داد. بنی‌صدر می‌گفت شما بی‌نظم و بی‌تشکیلات و خودسر هستید برای اینکه نهادها آن اطاعت کورکورانه‌ای که وی توقع داشت نداشتند. بله نهادها "بله‌قربان" گوی بالا دست نخواهند بود، بله‌قربان‌گوی نظام و اسلام هستند و نه فرد.

یکی از کارهای مهم نهادهای انقلابی اینست که یکسری آدم ساخته‌اند برای این انقلاب. شما نگاه کنید ۹۰٪ مسئولین کشور یک گذار از نهادهای انقلاب داشته‌اند. تقویت نهادهای انقلاب، تقویت سیستم اسلامی در حکومت است و اگر این نهادها نبودند شاید انسان باورش نمیشد که بشود این سیستم را

تشکیل داد. نهادها خط‌شکن هستند و اگر خط‌شکن نداشته باشیم نمی‌توانیم در جبهه اصلاح نظام اداری پیروز شویم. نهادها اگر تضعیف شوند سیستم اداری ما هم تضعیف می‌شود، یعنی اگر یک عده‌ای نباشند که جلو بروند و طلایه‌دار باشند اینها هم زیر آتش مشکلات نمی‌توانند پیشروی کنند.

تضعیف نهادها، تضعیف اصلاح ادارات است و تقویت نهادها، حرکت در جهت تقویت و اصلاح و بازسازی ادارات ما خواهد بود. درگذشته این تفکر که کارمند دولت خودش را ارباب مردم میدانست، وجود داشت که الحمدلله این برداشت دارد از بین می‌رود و این مطلب که کارمند حتی وزیر و... همه خدمتگزار مردم هستند و مردم ولی نعمت و ارباب اینها دارند جا می‌افتد، اگر برداشتها اینطور بشود نحوه برخورد هم فرق خواهد کرد. "انشاءالله" "والسلام"

اگر قیام ...

سالهای اوج انقلاب باعث تدک نظام جمهوری اسلامی استقرار یابد. تمامی مناسبات و روابط حقی که حاکم گردیده است و تمام ایثارگرها و جانفشانها و عشق به شهادتها را مرهون شهادی نهضت تاریخی ۱۵ خرداد هستیم، شهادی که در آن مقطع ظلمانی از تاریخ استبداد و استعمار با قطره قطره خون خود فریاد زدند «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا و کل شهر محرم».

بوضوح میتوان چنین اظهار کرد که اگر قیام ۱۵ خرداد نبود، پیروزی ۲۲ بهمن هم نبود. انتخاب استراتژی «شهادت» و عمل بر اساس شعار «خون بر شمشیر پیروز است» و سازش‌ناپذیری امام در برابر ظلم و استبداد و استثمار، امت‌مارا به مسیر فلاح و رستگاری رهنمون شد.

اینکه امام خمینی از بعد از فاجعه ۱۵ خرداد، که تنگی بود برای رژیم شاهنشاهی، همواره سعی

نهادهای پرچمداران...

کرده‌اند که این روز زنده بماند و در تاریخ انقلاب اسلامی جایگاه ویژه‌اش را اشغال کند، بدلیل همین بیوندی جوهری‌ای است که بین اهداف نهضت از همان سالهای ۴۲ وجود داشته است.

حفظ محتوای «یوم الله ۱۵ خرداد» و عمل به آرمانهای آن از وظایف اولیه همه عناصر متعهد و مسئول است. تمامی شهدا از ۱۵ خرداد ۴۲ تا ۱۷ شهریور ۲۲ بهمن و تا کنون به نظاره ایستاده‌اند تا که وارثان انقلاب اسلام چه خواهند کرد.

بدیهی است تا تحقق تمامی آرمانهای انقلاب اسلامی و شهادی گلگون کفن آن، راه بسیاری در پیش است و باید که با توکل به الله در پرتو رهبری امام با تمام قوا در جهت تحقق شعار کلیوی انقلاب یعنی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که از کمال پابندی دقیق به «قانون اساسی» - این ثمره خون شهادی اسلام - میگذرد کوشش و همت خویش را مینول داریم و با هر گونه اعوجاج و انحراف از این مسیر مقابله قاطع صورت گیرد.

بصورت دو فوریتی یا یک فوریتی که این مسئله انشاء الله از نظر قانونی هم حل بشود. که وضعیت جهاد هم روشن بشود ولی بهرحال آن چیزی که من میخواستم توجه بدهم، این است که با اینکه جهاد میتواند با استفاده از اساننامه رشد بیشتر و حرکت سریعتر پیدا بکند، ولی در عمق حرکت جهاد نمیتواند اثری بگذارد برای این که این نهاد متعلق به مردم است، برانگیخته از درون مردم و توجه همه به این نهاد است و در نظام ما بزرگترین سرمایه برای هر نهادی و اصولاً هر حرکتی پشتیبانی این مردم ایثارگر است و جهاد سازندگی از آن نهادهایی است که عمیقاً همه ملت پشت سر آن ایستاده و به همین دلیل ما امیدواریم که این حرکت روز بروز ادامه پیدا کند انشاء الله والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته